■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

یکشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۷ | ۲۰ جمادی الاولی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۳۱۰ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Sunday - 2019 Jan 27

حدیث روز: میزان‌الحکمه

حضرت محمد(ص):
احترام به فرد سالخورده از امت من احترام به من است.

پلک احساس: شفیعی کدکنی

تو مده پندم از این عشق که من دیرزمانی
خود به جان خواستم از دام تمنای تو رستن

امروز در تاریخ:

- پیوستن ایران به یونسکو (۱۳۴۴ ش)
- بختیار اعلام کرد برای ملاقات با امام خمینی به پاریس خواهد رفت. (۱۳۵۷ ش)
- تولد ولفگانگ آمادئوس موزارت، آهنگساز معروف اتریشی (۱۷۵۶م)
- ساخت اولین قرص آسپرین (۱۹۰۰م)
- درگذشت جی. دی. سالینجر، نویسنده آمریکایی (۲۰۱۰م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۱۷ — غروب آفتاب: ۱۷/۲۶
اذان مغرب: ۱۷/۴۵ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۳۴
اذان صبح (فردا): ۵/۴۱ — طلوع خورشید (فردا): ۷/۰۸

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	اصفهان	اردبیل	رشت	زاهدان	قزوین	کرمانشاه	یاسوج
۱۱ / ۶	۱۷ / ۶	۱۰ / ۱	۱۵ / ۸	۲۲ / ۹	۱۰ / ۵	۷ / ۰	۱۶ / ۶

حکمت ۳۱۹: نهج‌البلاغه

ای فرزند من از تهیدستی بر تو هراسناکم، از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان کند و عامل دشمنی است.

خودنویس

یادداشتی از حامد عسکری شاعر و نویسنده

بوی آدمیزاد می‌آد...

بیشتر اوقات برای بچه‌هایم، خودم قصه می‌گویم. بعضی وقت‌ها هم دست به دامن دنیای مجازی می‌شوم و چیزهایی انتخاب می‌کنم و از توی گوشی تلفن همراهم پخش می‌کنم. دیشب یك پادکست (قطعه تلفیقی متن و موسیقی) قصه کودکانه را دانلود کردم و با هم نشستیم به شنیدنش. قصه طبق معمول یك غول داشت که مصداق بارز شر و بلاهت بوده و هست. یك جایی از قصه وقتی قهرمان قصه وارد قلمرو غول شده بود، غول طبق معمول خواب بود و با جمله معروف اوووووم بوی آدمیزاد می‌آد از خواب بیدار شد. من دیگر بقیه قصه را نشنیدم و این جمله را چندبار توی ذهنم مرور کردم: بوی آدمیزاد می‌آد... این حرفی که می‌خواهم بزنم شاید ذوق و طبع من باشد و به آن ایرادهایی وارد باشد فلذا می‌توانید اصلا قبولش نداشته باشید و فقط زحمت خواندن این چند جمله را متحمل شده‌اید: غول نماد شر و گمراهی و قدرت بدون تعقل همراه با زورگویی است. قدرتی که صرفا برخاسته از بزرگ بودن و قدرت ماورایی داشتن و پیرو هوای دل بودن است. حالا چه چیزی مشام این غول را می‌آزارد و حتی از خواب بیدارش می‌کند؟

آفرین بوی آدمیزاد! آدمیزادی که قدرتی به نام عقل دارد و با جثه‌ای هرچند کوچك‌تر و بدون قدرت‌هایی ماورایی معمولا توی قصه‌ها غول‌ها را شکست می‌دهد، دیشب در وسط پادکست قصه بچه‌ها به این فکر می‌کردم که وقتی غول نماد شر است، قهرمان روبه‌رویش باید نماد خیر و نیکی باشد تا منطق قصه برای ذهن تازه کودکان جذابیت داشته باشد و بچه‌ها آدم‌های خاکستری را درك نمی‌کنند. محکم که فکر کردم با خودم گفتم شاید بویی که مدنظر غول‌هاست، خیلی احتمالش ضعیف است که بوی عطر یا عرق یا بویی که سگ‌ها از هر کسی در حافظه خود ذخیره دارند را مد نظرشان باشد. بوی قدرت عقل شاید باشد یا بوی نیکی و خیر که این‌گونه مشام مظهر شر و تاریکی و زورگویی را آزرده است و بیدارش کرده و مهیا برای مبارزه با مخالف خودش شده است. مخلص کلام این‌که مشام ما هم بد نبود اگر مثل غول‌ها حسگرهایی داشت و وقت نزدیك شدن نیروهای شر و شیطانی به ذهن و اطرافمان بویش را حس می‌کردیم و تنوره که نه ولی زمزمه می‌کردیم: بوی غوووول میاااد...

ساخت خانه‌های ۱۵ دلاری

یك مهندس کانادایی به نام تیلر بنت موفق به ساخت خانه‌ای کوچك به قیمت ۱۵ هزار دلار شده که از همه امکانات زندگی برخوردار بوده و با استفاده از کامیون به هر نقطه‌ای قابل حمل است.

به گزارش مهر، در سقف این خانه از یك سیستم گرمایشی خورشیدی ارزان قیمت استفاده شده است و تخت این خانه نیز با استفاده از اهرم و چرخ دنده‌های کار گذاشته شده روی دیوار قابل بالا و پایین بردن است تا در طول روز فضای بیشتری برای استفاده از منزل وجود داشته باشد.

این خانه فقط ۱۳ متر مربع مساحت دارد و در ساخت آن از صفحات فلزی ارزان قیمت استفاده شده است. طول این خانه حدود ۶ متر و عرض آن هم حدود ۲/۶ متر است. ارتفاع این خانه در مرتفع‌ترین بخش به ۴/۱۲ متر و در کوتاه‌ترین بخش به ۲/۹ متر می‌رسد.

کل وزن این خانه ۳۵۳۸ کیلوگرم و روی تریلرهای کامیون‌های مختلف به راحتی قابل حمل است. زیرا حداکثر ظرفیت این تریلرها ۴۵۳۵ کیلوگرم است. البته بخش زیادی از این وزن مربوط به صفحات خورشیدی و باتری‌هاست.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با سامان احتشامی، آهنگساز و موزیسین

دنیای مدرن اسیرمان کرده است

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

باغ به باغ، راز باغ، مهتاب در باغ، آنا در باغ و... فقط یك ایرانی که باغ ایرانی و حال و هوای آن را درك کرده، می‌تواند چنین عاشقانه برای آثار هنری‌اش نام «باغ» را انتخاب کند. باغ ایرانی که روزی روزگاری در جهان حرف اول را می‌زد و خیلی‌ها حسرت دمی اطراق کردن در آن را داشتند حالا سال‌هاست در سراشیبی نابودی قرار گرفته. باغ‌های اصیل ایرانی با آن درختان و خانه‌هایشان که چینشی اعجاب‌انگیز و پر از آرامش داشتند، سال‌هاست جای خود را به خانه‌های عمودی و خشك داده‌اند که همان بهتر برایشان از واژه قدیمی و ملموس قوطی کبریت استفاده کنیم.

دیروز در اولین روز هفته وقتی فهرست آدم‌هایی را می‌نوشتم تا با آنها هم‌صحبت شوم و کمی حال خودم و شما را خوب کنم به‌یاد سامان احتشامی افتادم. آهنگسازی که تا حالا چند آلبوم موسیقی منتشر کرده که اسم برخی از آنها را در اول مطلب نوشتم. احتشامی، آهنگساز فیلم هم هست و در کارنامه‌اش ساخت موسیقی برای فیلم «شازده کوچولو» را هم دارد؛ همان فیلم انیمیشنی که نورالدین زرین‌کلك آن را با موضوع فرش ایرانی ساخت. آهنگسازی که با ذهنیت شازده کوچولو برای یك فیلم موسیقی بسازد و هوش و حواسش پی باغ ایرانی و سبك زندگی ایرانی باشد مگر می‌شود حالش بد باشد و اگر حالش چندان هم میزان نباشد، بلد است چطوری رو به راهش کند و جوابت را بدهد تا اگر حالت را خوب نمی‌کند که می‌کند، حداقل حالت را بد نکند! اهالی موسیقی پیانونوازی احتشامی را بی‌نظیر می‌دانند و به جادوی انگشتان او اشاره می‌کنند که مانند ماهی از کلیدی به کلیدی دیگر می‌لغزد و نواهای جاودانه خلق می‌کند.

سامان احتشامی که اول اردیبهشت سال ۵۷ در تهران متولد شده، آدم خوش‌مشربی است. خوش‌صحبت است و مهربان. دوست دارد دیگران از او خاطره خوبی به‌یاد بسپارند. همین چند روز قبل بود که ویدئویی از او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که احتشامی را در حال نواختن پیانو در یك سازفروشی نشان می‌داد. ماهرانه می‌نواخت و مردم زیادی را دور خود جمع کرده بود، می‌خندید و انگار با هر نت که می‌نواخت دنیایی از شادی را پیرامون خودش منتشر می‌کرد و مردم را شاد می‌کرد. این ویدیو بارها و بارها دیده شد و مردم را به تحسین واداشت. حالا احتشامی می‌گوید: خوب بودن و خوب رفتار کردن وظیفه انسانی ماست. هیچ دلیلی برای بد رفتار کردن ما با دیگران وجود ندارد حتی اگر مشکل داشته باشیم یا حالمان به‌دلیلی کاملا شخصی بد باشد. وقتی تلفنم زنگ می‌خورد باید آن را جواب بدهم چون کسی که شماره مرا گرفته حتما با من کاری دارد. وقتی جواب می‌دهم باید خوش‌اخلاق باشم، چون آن کسی که پشت خط است لیاقت این را دارد که من با بهترین شکل ممکن با او صحبت کنم.

از احتشامی درباره ویدئویی که از او در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، می‌پرسم و حال خوبش در آن روز. می‌گوید: به خودم اجازه نمی‌دهم سرد و عبوس باشم. روحیه‌ام این‌طوری است که دوست دارم اطرافیانم حالشان خوب باشد. البته خیلی‌ها این مرام و رفتار مرا نمی‌پسندند اما برایم مهم نیست هر کسی سبك زندگی و رفتار خودش را دارد.

اگر پیانونوازی‌های احتشامی را دیده باشید حتما می‌دانید تمرکز و خلاقیتش عالی است. مثلا دارد قطعاتی از شوپن، بتهون، ویوالدی را اجرا می‌کند و همه سر به گریبان تفکر فرود برده‌اند که به یکباره فضا را عوض کرده و قطعاتی از شادترین ملودی‌های ایرانی را می‌نوازد و دنیایت را تغییر می‌دهد. درست مثل زندگی در فضای باغ ایرانی و سیال گشتن در میان درختان و حسی که هر درختی می‌دهد، مسلما ما از درخت گیلاس با آن شکوفه‌های صورتی و شاخه‌های ارغوانیش همان حسی را نمی‌گیریم که از درخت سپیدار می‌گیریم که مانند بانویی زیبا بر حاشیه باغ می‌ایستد و با لبخندی همیشگی ما را نگاه می‌کند. احتشامی با این روحیه منعطف، کاملا تاثیر گرفته از سبك زندگی ایرانی است. او می‌گوید: تصور کن من و شما در دوره‌ای بزرگ شده‌ایم که خانه‌ها هنوز حیاط داشت، حیاط‌ها هنوز حوض داشت. پدر خانواده ظهر با یك هندوانه به خانه می‌آمد و آن را می‌انداخت وسط حوض پر از آب تا خنك شود و بعد از ظهرهایمان را می‌ساخت همین هندوانه و حیاط و اتاق‌هایش. سال‌هاست دور شده‌ایم از این فضاها. دیگر حتی نمی‌توان فکرش را هم کرد که آن احوالات خوب برای یك روز هم تکرار شود. مدرنیته و ورود تکنولوژی که ناگزیر است، سبك زندگیمان را تغییر داد و اسیرمان کرد. روز به روز هم بدتر خواهد شد. مسلما بچه‌هایی که الان زندگی می‌کنند، پنج سال دیگر حسرت زندگی امروز را می‌خورند و از آن به عنوان نوستالژی یاد می‌کنند، اینقدر که تغییرات سریع رخ می‌دهد و آدم‌ها روزبه‌روز از هم دورتر می‌شوند. زندگی آنلاین، حال خوب دور هم جمع شدن را از ما گرفته است. الان شاگردانم دارند به سمتی می‌روند که پیشنهاد می‌دهند، کلاس آنلاین برگزار کنم و حتی برای یاد گرفتن هم دور هم جمع نشویم! حالا شما بیا از نفس استاد بگو و این که آدم‌ها وقتی کنار هم باشند، حالشان بهتر خواهد بود.

به احتشامی می‌گویم به اصطلاح خودمان ما ایرانی‌ها در هر کاری شورش را در می‌آوریم. مگر ما از هند یا ژاپن بیشتر درگیر دنیای مدرن و فناوری شده‌ایم که سبك زندگی‌مان این‌قدر تغییر کرده، زنان هندی هنوز در سراسر دنیا ساری می‌پوشند...

این موزیسین می‌گوید: بیشتر مردم هند فقیرند اما بسیار شادند. سینمای شادی دارند. رنگ در کشورشان غوغا می‌کند، موسیقی دارند و... همه اینها باعث شده تا آنها به فرهنگ خود پایبند باشند اما فرهنگ ایرانی را از ما گرفتند، نمی‌دانم چگونه اما می‌دانم که خرابش کردند و ما شدیم آدم‌هایی که راه افتاده‌ایم دنبال تکنولوژی تا از هم دور شویم. بی‌ثباتی اقتصادی هم شده مزیت بر علت بی‌حوصلگی‌ها. وقتی اقتصاد حالش بد است و قیمت‌ها در هر حوزه، ساعتی تغییر می‌کند چگونه می‌توان به مردم گفت و از آنها خواست تا حالشان خوب باشد و با اخم به روی هم نگاه نکنند.

احتشامی با خوشرویی جواب تلفنم را می‌دهد. برای همه روزنامه‌نگارها و خبرنگارها آرزوی موفقیت می‌کند و می‌گوید این روزها کار شما خیلی سخت‌تر از گذشته است. می‌خندد و می‌گوید اگر سردبیرت، مطالبت را سانسور می‌کند امیدوارم خودش سانسور شود! می‌گویم: نه! سردبیر ما اهل سانسور نیست... می‌گوید: همین الان برو و به او بگو دمش گرم! ایشالا پاینده باشد. می‌گوید، فردا روزنامه جام جم را می‌خرم و امیدوارم سال‌های آینده هم منتشر شوید...

همه کلماتش پر است از حس خوب، پر انرژی و مهربان. انگار کلماتش کلیدهای پیانو هستند که فضا را پر از ارتعاش خوب می‌کنند. زنده باشی و همین‌طور سرحال و پر از حال خوب آقای احتشامی.

مقطع حساس کنونی

حکایت دردناك دهه شصتی‌ها و دهه نودی‌ها

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

دختری که مربی مهدکودك بود و کودکان وی را مریم‌جون و خاله‌مریم صدا می‌کردند، همواره دهه‌شصتی‌ها را ـ که خود نیز جزو آنها بود ـ از متولدین دهه‌های دیگر برتر و باهوش‌تر می‌شمرد. روزی یکی از کودکان مهدکودك به نام ساینا که یك دهه نودی بود تصمیم گرفت نادرستی گزاره مورد اعتقاد مریم‌جون را در عمل به وی اثبات کند. برای همین، یك روز که مهدکودك تعطیل شد سراغ مریم‌جون رفت و از او خواست چکمه‌هایش را پایش کند. مریم‌جون با زحمت چکمه‌های ساینا را که کمی برایش کوچك هم بود، پایش کرد.

ساینا گفت: «مریم‌جون، چکمه‌هایم را تا به تا پایم کردی.» مریم جون چکمه‌ها را با زحمت از پای ساینا درآورد و جابه‌جا کرد و دوباره پایش کرد.

ساینا گفت: «مریم‌جون، منظورم این بود که جابه‌جا پایم کردی. این چکمه‌ها مال من نیست.» مریم‌جون بار دیگر با زحمت چکمه‌ها را از پای ساینا درآورد و پرسید: «پس مال کیه؟»

ساینا گفت: «مال داداشمه، ولی مامانم گفت می‌تونی اونا رو بپوشی.»

مریم‌جون که تلاش می‌کرد خود را یك دهه‌شصتی صبور و پرطاقت نشان دهد، بار دیگر چکمه‌ها را با مشقت پای ساینا کرد. ساینا گفت: «میشه دستکش‌هامو هم دستم کنی؟»

مریم‌جون پرسید: «دستکش‌هات کو؟»

ساینا گفت: «توی چکمه‌هامه»... در اینجا مریم‌جون که دیگر طاقتش طاق شده بود، از کوره درفت و پرید تا خرخره ساینا را بجود. ساینا موبایلش را از کیفش درآورد و گفت: «اگه خرخره‌مو بجوی فیلمش را می‌گیرم و در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها می‌گذارم تا آبرویت برود.» مریم‌جون خاموش شد. اما شب هنگام در آی‌دی شخصی‌اش در یکی از شبکه‌های اجتماعی که در آنجا با اسم مستعار چیز می‌نوشت، نوشت: «ما هیچی نیستیم. ما فقط نسل سوخته‌ایم.»

تنهاترین درخت دنیا

در جزیره دورافتاده‌ای به نام کمپبل که در ۶۰۰ کیلومتری جنوب نیوزیلند واقع شده، درخت صنوبر سیتکای تنهایی وجود دارد که تنهاترین درخت روی زمین است. نزدیك‌ترین همسایه این درخت، بیش از ۲۲۰ کیلومتر با آن فاصله دارد و در جزیره اوکلند واقع شده و نزدیك‌ترین عضو خانواده‌اش هم در نیم‌کره دیگر زمین در آن سوی اقیانوس آرام قرار دارد.

به گزارش خبرآنلاین، جزیره کمپبل یکی از جزایر جنوبی نیوزیلند است. در این جزیره به علت بادهای شدید غربی که در آن می‌وزد، امکان ندارد هیچ گیاه بلندی رشد کند.

کوه، پول عیدی کارگران چینی

یك شرکت فولاد در چین همزمان با فرارسیدن سال نوی چینی، کوهی از پول برای عیدن دادن به کارکنان خود ساخت!

به گزارش فرادید، کارخانه فولاد فانگدا در استان جیانگشی چین با فرارسیدن سال نو پاداشی منحصربه‌فرد به کارکنان خود داد. شرکت فانگدا سال ۲۰۱۸ سود خوبی به دست آورده است.

اقدام مسؤولان این کارخانه موجب شگفتی کارکنان فانگدا شده است. پاداش این کارکنان در مقایسه با سال قبل دو برابر شده است.

استقبال از سال نو به سبك ژاپنی‌ها

مردم ژاپن با رفتن در آب یخ به استقبال سال نو رفتند.

به گزارش فرارو، حمام آب یخ از آداب و رسوم دیرینه‌ای است که مردم ژاپن باوجود مدرن شدن به آن اعتقاد دارند و همزمان با سال نو آن را انجام می‌دهند. شرکت کنندگان در این مراسم مطابق سنت دیرینه خود معتقدند این آب تنی روح آنها را صیقل داده و از بدی‌ها پاك خواهد کرد. هنگام آب تنی، افراد جمله سال جدید مبارك را به زبان می‌آورند.

عکس: مهر

تیوپ سواری در پیست اسکی آبعلی

قدرتمندترین شهرهای جهان در سال ۲۰۱۸

فهرست قدرتمندترین شهرهای جهان در سال ۲۰۱۸ اعلام شد و لندن، پایتخت بریتانیا برای هفتمین سال پیاپی در صدر این جدول قرار گرفت. به گزارش ایلنا، موسسه استراتژی شهری یادبود موری، از سال ۲۰۰۸ تاکنون نقاط قوت و ضعف نسبی ۴۴ شهر مشهور و محبوب جهان را بررسی و تحلیل کرده است. محققان این موسسه برای ارزیابی قدرت شهرها به توانایی آنها در جذب سرمایه، کسب و کار و مردم، آنچه به عنوان مغناطیسم شهرها نامیده می‌شود، نگاه می‌کنند. شش موردی که این موسسه برای ارزیابی شهرها از آن استفاده کرده است عبارتند از: اقتصاد، تحقیق و توسعه، تعامل فرهنگی، قابلیت زندگی، محیط زیست و دسترسی شهری. برای هرکدام از این موارد نیز ۷۰ شاخص تعریف شده و شهرها براساس این شاخص‌ها امتیاز گرفتند. هر شهر می‌توانست حداکثر ۲۶۰۰ امتیاز کسب کند. لندن، نیویورك، توکیو، پاریس و سنگاپور به ترتیب در رتبه اول تا پنجم قدرتمندترین شهرهای جهان در سال ۲۰۱۸ قرار گرفتند. آنها توانستند ۱۶۹۲/۳ تا ۱۳۱۰/۶ امتیاز به دست آورند. آمستردام، سئول، برلین، هنگ کنگ و سیدنی نیز جایگاه ششم تا دهم این جدول را از آن خود کردند. امتیاز این شهرها بین ۱۲۶۵/۹ تا ۱۲۰۰/۷ متغیر بود.